

آیا جنبش کارگري ايران نيازي به دريافت کمک مالي دارد ؟

در روزهای گذشته ما شاهد برخوردهای افراد و نهادهای متفاوت با مساله پذيرفتن دريافت کمک مالی از طرف منصور اسانلو در تلویزیون اندیشه هستیم(1). خواست کمک مالی در شرایطی که رژیم بخاطر کمک مالی اعدام می کند و چندین فعال کارگری که حکم تعلیقی داشته اند را خواسته که خودشان را به زندان معرفی کنند کاری است که مسئولیت بسیار دارد.

بحث مساله کمک های مالی که بارها از سوی فعالان کارگري مطرح شده است ، بارديگر به مسئله چالش بر انگیزی تبدیل شده و به دليل اهمیت موضوع ، برخورد درست به مساله نیازمند نگاه به گذشته نه چندان دور است در جنبش کارگري باشیم. زیرا چه کسانی که میخواهند کمک مالی بگیرند و چه کمک مالی بدهند . نمونه تاریخی اعتصاب و دستگیری گسترده کارگران سندیکای واحد را عنوان میکنند، به توصیه دوستان کارگري در داخل کشور و از آنجاییکه کنفدراسیون کارگري جهانی در مقطع خاصی کمک مالی به جنبش کارگري داده است و این کمک از دید جریانهای مثبت و از دید عدهای منفی محسوب می شود پس ضرورت دارد به آن مقطع و آن فعالیت اشاره شود.

گرفتن کمک مالی در جامعه ما سنت خودش را دارد، تعدادی از جریانهای سیاسی متشکل در خارج از کشور روزگاری کمک مالی از کشورها و دولتها دریافت می کردند، چه آنهایی که کمک دریافتی خود را توجیه و یا مخفی می کردند و چه آنهایی که امروز بسیار روشن اعلام می کنند که هر دولتی پول بدهد بدون هیچ پیش شرطی آن کمک را قبول می کنند، نگاهی اندک به خاطرات نوشته و گفته شده از جدا شدگان بسیاری از این تشکلات نشان می دهد بسیاری از این کمکها در جهت درست استفاده نشده است، حال دليل خواستن این کمکها به کنار، اما اکنون موضع گیری خود را به افرادشان واگذار می کنند(2). و این رفتار تشکلات سیاسی و یک بام و دوهوا تنها به بی اعتمادی جنبش کارگري و سوء استفاده نهادهای امنیتی منجر شده است.

در جنبش سیاسی ما هرگاه بخواهند کسی را ترور شخصیتی بکنند از انگ های مختلف مانند مساله مالی و یا وابستگی استفاده می کنند که نمونه های بسیار زشت آن را می توان فراوان دید و کسانی که آنرا مطرح می کنند بندرت توانسته اند مدارکی را برای اثبات

ادعایشان نشان دهند به عنوان نمونه در رابطه با بسیاری از فعالان کارگری این نوع تهمت ها را همیشه زده اند. در آخرین اطلاعیه یکی از این نهاد در رابطه با اسانلو مینویسند "از جمله کمک ماهانه ی هزار و پانصد دلاری اتحادیه حمل و نقل جهانی بود" (3) اما هیچ سند و مدرکی برای ادعای خود رو نکرده اند.

در سال هشتاد و چهار سندیکای شرکت واحد اقدام به انتشار فراخوانی کرد(4) که بسیاری از فعالین کارگری در داخل به حمایت از این فراخوان برخواستند و سندیکاهاى دیگر نیز چاره‌ای جز پذیرفتن این موضوع که باید برای حمایت از فعالین دستگیر شده عمل کرد نداشتند. زیرا تعداد دستگیر شده گان به حدی زیاد بود که برای اولین بار در تاریخ جنبش کارگری بعد از انقلاب ، همه مجامع و فعالین کارگری به نوعی با مشکل بزرگی روبرو شده بودند . بیش از هزار راننده شرکت واحد دستگیر شده بودند و به جز تعدادی اندک همه آنان در خانه های استیجاری زندگی می کردند و خانواده های آنان از تامین مواد غذایی اولیه ، ناتوان بودند . همه در این فکر بودند که چه کار باید انجام داد؟

درست در بحبویه این فراخوان ها و بحثهای چاره جوئی بود که ما شاهد ترجمه فراخوان و حتی دادن شماره حساب در کشورهای دیگر و از جمله در فرانسه (منبع دوم شماره 4) بودیم . این فراخوان به زبانهای بسیاری ترجمه شده و برای بسیاری از اتحادیه ها و کنفدراسیونها فرستاده شده بود. نهادهای دریافت کننده فراخوان ، درخواستهای خود را به ای سی اف تی یو (کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری) می فرستادند و از طرف کنفدراسیونهای کارگری از بخش حقوقی آی سی اف تی یو می خواستند کاری انجام دهد. بخش حقوقی تنها می توانست در حوزه آزادی کارگران ، گرفتن وکیل که بودجه بخش خودش بود عمل کند ، بهمین دلیل بخش حقوقی سؤالات زیادی داشت و نمی خواست طوری حمایت کند که از طرف دولت که تئوری توطئه را تبلیغ می کرد و هم زمان با اشغال عراق ، افغانستان توسط امریکا بود. در ضمن ایران را محور شرارت نامیده می شد) و کافی بود این کمک ها مورد سؤال قرار بگیرد و بهانه برای سرکوب بیشتر کارگران به دست رژیم بدهد . (البته کم نیستند افراد و جریاناتی که شرایط جنبش کارگری ایران را همیشه با شرایط کارگران شرکت نفت در سال 57 مقایسه می کنند که این مقایسه بسیار خطرناک است و جز دردسر، بیکاری و زندان برای فعالین جنبش کارگری چیز دیگری در پی ندارد) در

همان موقع دائم از طریق نماینده ایران در آی آل او تهدیدهایی با پیغام داده می شد که برایتان نوار مصاحبه های ویدئویی فعالین کارگری در زندان را می فرستیم ، چه آنها که در کنفرانس برلین شرکت داشته اند و چه کسان دیگر که گفته اند با اپوزیسیون و غرب در ارتباط هستند. البته کنفدراسیون همیشه به نمایندگان ایران کلمه شرم کنید را استفاده میکرد و میگفت دروغ نگویید زیرا شما فعال کارگری که در زندان است و همسر ایشان کارگری میکند برای درآمد خانوادگی ولی شما در محل زندگی فعال کارگری شایع راه می اندازید که فعال کارگری بخاطر تخلفات مالی در زندان هست. ما هر کاری از دستان برآید برای فعال زندانی انجام میدهیم.

بنا براین با توجه به جو حاکم بر جریانات کارگری در داخل ایران سؤالات بسیار روشن بود که: چگونه باید عمل کرد؟ و اگر کمک حقوقی بشود چه کسانی می توانند این کار را پیگیری نمایند و به انجام برسانند؟ بخش حقوقی آی سی اف تی یو پس از مشورت با وکلای ایران و وکلای خودشان و تحقیقات فراوان در رابطه با مسائل حقوقی و عدم امکان حضور وکیل برای کارگران در دادگاه، مسائلی همانند اجاره خانه زندانیان، بیکاری گسترده فعالان کارگری و احتمالاً قطع حقوق آنان تا شرکت در دادگاه و آزادی از زندان انجام داد تا بداند که آیا آی سی اف تی یو می تواند این کمک را بکند و اگر جواب مثبت است چطور و چگونه؟ و آیا اساسنامه شرکت واحد اجازه این کار یعنی دریافت کمک مالی را به آنها داده است؟ حساب بانکی متعلق به کیست؟ آیا پس از دستگیریها سندیکا هیئت امنا دارد؟ انعکاس کمک های مالی احتمالی در جامعه ایران چیست؟ سؤال اساسی دیگر این بود که آیا می شود مطمئن بود که این نوع کمکهای مالی برای مسائل حقوقی به دست کارگران می رسد؟ تضمین عملی این کار چیست؟

بر مبنای درخواست فعالین کارگری داخل بعد از چندین روز بحث و گفتگو پیرامون سؤالاتی که بخش حقوقی آی سی اف تی یو از ما داشت، ما توانستیم به این نتیجه برسیم که با مسئولیت یدالله خسرو شاهی و من، از نهادهای کارگری بخواهیم که این کمک مالی مستقیماً داده شود و آن هم در راستای امر حقوقی، و تضمین دادیم که کلیه پروسه شفاف است و گزارش های آن را سندیکای شرکت واحد برای آی سی اف تی یو خواهند فرستاد. زیرا اساسنامه این تشکلات اجازه می داد در زمانی که فعال کارگری در زندان است برای

کمکهای قانونی و هزینه های دادگاه و خانواده ، کمک مالی دریافت شود.(5). (البته کم نبودند وکلای شریفی که در ده سال گذشته حق الزحمه خودشان رانیز به کارگران داده اند.) طبق تعهد ما سندیکای شرکت واحد موظف بود پس از دریافت کمک ،گزارش نحوه هزینه شدن کمکها را روشن و شفاف تهیه و داشته باشد تا هیچ گونه ابهامی برای اعضا سندیکا وجود نداشته باشد.

دریافت این کمکها در همین چهارچوب و به صورت مقطعی بوده و گیرندگان همیشه وکلا ویا نهاد کارگری بوده اند و در نتیجه باید نهاد کارگری خود پاسخ گو باشد . کسی غیر از نهاد سندیکا نمی تواند از افراد بازخواست کند. بخشی از فعالان سندیکای کارگری و وکلای آنها در خارج هستند و می توانند صحت و سقم این ادعا را روشن کنند .

ما هیچ موقع از هیچ سندیکای و کنفدراسیونی در هیچ کشوری بخصوص امریکا کمکی دریافت نکردیم (6) و کلیه کمک بخش حقوقی به سندیکاها در آن زمان براساس ادعای خودشان یک سوم کمکی بود که از طرف مردم در داخل بوده و به جز در آن مقطع خاص که شرح آن در بالا داده شد ،دیگر هیچ کمک مالی دریافت نکرده اند و تنها کمک های انتشاراتی اتحادیه های هلند، بر اساس جایزه حقوق بشر اتحادیه های هلند در امر آموزش بوده است .

بارها این مسئله را در پاسخ به افراد معلوم الحالی که کارشان اتهام زدن به افراد است گفته ام که هر گونه مدرکی خلاف این گفته هارا دارند ارائه دهند اما پس از گذشت چندین سال دریغ از يك مدرك و دریغ از يك معذرت خواهی ساده ... که این چنین با حیثیت افراد بازی می کنند!!!!

آقای حبیب رضا پور در یادداشت خود (7) در رابطه با اسانلو نوشته که در سال 1385،اسانلو از دادن کمکی که به سندیکا شده طفره رفته است . برای روشن شدن این مطلب باید بگویم که در همان زمانی که بچه های سندیکا مشکل داشتند، از کانالهای متفاوت به آنها گفته شده بود که از سوئد پول فرستاده شده است .(از جانب ایرانیان)

و من هم خبردار شدم که امیر جواهری چند هزار دلار به حساب شخصی اسانلو ریخته بود و خود بنده در کنفرانس لندن از اسانلو پرسیدم که چرا آن پول را به اعضا سندیکا ندادی ایشان در جواب گفتند پول برای من فرستاده شده و نمی خواستم به کسی بدهم

چون کمک شخصی بود. البته ایشان در مصاحبه با تلویزیون برابری که در شماره 292 راه کارگر هم چاپ شد گفت " ایرانیان ، دوستانی که در سوئد هستند ، در شب عید نزدیک به 13 میلیون تومان کمک برای کارگران سندیکای شرکت واحد فرستادند . از داخل کشور هم کمک‌های جزیی می شود. به این طریق ما می فهمیم که کسانی در این دنیا هستند که قدر این مبارزه سخت ودشوار ما را می دانند. واین به ما روحیه می دهدکه بتوانیم کارهایمان را ادامه بدهیم" هر چند من این مسأله را در همان زمان به برخی از اعضای سندیکا که درارتباط بودم و سؤال می کردند ، گفته بودم اما به علت آن که پس از بازگشت اسانلو به ایران به فاصله کو تاهی دستگیرشدند ، آنها سکوت را ترجیح دادند . همچنین در مورد ارتباط اسانلو با سولیدارته ستر و نماینده ایرانی آن بگویم از انجایی که این جماعت تا بحال در یک جلسه غیر ایرانی شرکت نداشته‌اند نمی دانند که در این جلسات هر کس اسم اش بر روی کارتی نوشته شده است و هر کس خودش با هرکس بخواهد صحبت می کند و کسی نیاز به معرف برای آشنایی با دیگری ندارد ، همه از کارهای هم خبر دارند. ولی تکرار مرتب این مسأله در دیدگاه مردسالاری این جماعت ریشه دارد و بحث فساد آن‌ها از بحث عشق آزاد آنها جدا نیست.. اسانلو چه در رابطه با کارهای سایت سندیکا وچه ارتباطاتش با دنیای فعالیت کارگری اش بیشتر با کسان خاصی از تشکیلاتهای سیاسی خاصی ارتباطاتش را پیش می برد که بسیاری از اعضای سندیکا و شخص من در آن حوزه قرار نمی گرفتم و تفکرات ایشان در اروپا بسیار روشن بود و از زمان بازگشت اسانلو به ایران در سال 2007 دیگر هیچ‌گاه با ایشان تا به امروز ارتباطی نداشتم، حتی ایشان زمانیکه در زندان بودند ابتدا عروسشان و در ادامه آن کارمند سابق سالیدریتی ستر را بعنوان نماینده «سندیکا» که در اصل یعنی خودش بود به نهادهای کارگری معرفی کرد، سندیکا بخاطر مسائل امنیتی اصلاً چیزی مطرح نکرد. با همین شرایط سندیکا هر کاری برای آزادی ایشان و فرزندانش در ترکیه میتواند انجام داد. البته هیئت مدیره سندیکا با نوشتن مطلبی بسیار روشن گفت ما نماینده ای در خارج نداریم و شما مطالب ما را میتوانید از طریق وسایت سندیکا دنبال کنید و خواست خودمان را علنی مطرح میکنیم و نیاز به واسط نداریم، سندیکا به ارتباط شما از هر طریق که شما میخواهید داشته باشید احترام میگذارد.

سالها به خاطر زندانی بودن آقای اسانلو، اتهامات ناروایی مشتی اتهام زن بی اعتبار را بی پاسخ گذاشتم و سکوت کردم. بنظرم در طول مبارزه افراد و نهادهای بسیاری با هم آشنا می شوند و مهم نیست هر کسی چه فکری از این ارتباطات در ذهن اش پیش بیاید مهم ادامه آن روابط و خواسته های آگاهانه دو طرف از هم است. ما بعنوان افرادی که در جاهایی می توانستیم نشان دهیم که وجودمان نمایندگی بخشی از مبارزات کارگران ایران است ، انجام وظیفه کرده و می کنیم و باید در چهارچوب اساسنامه همان نهادهای موجود حرکت می کردیم و اگر اشکالی هم پیش می آمد جوابگوی آن بودیم. (البته این موضوع دو جانبه است حتی زمانی که سندیکاهای جهانی سوالی در رابطه با ارتباط خودشان با نهادهای مستقل کارگری داشتند مستقیما سوال می کردند بطور نمونه برای روشن شدن ، نامه های خسروشاهی در رابطه با ارتباطات نهادهای کارگری درون و بیرون از ایران دیده شد و در نتیجه این شد که خود تشکلات مستقل کارگری داخل این نامه ها را با توافق سندیکاهای جهانی علنی کردند)

جنبش کارگری ایران امروز به رشدی رسیده است که دیگر نیازی به کمک هیچ نهاد و فردی ندارد و این امر را بارها فعالان و نهادهای کارگری داخل اعلام کرده اند و سندیکای شرکت واحد نیز در يك بیانیه رسمی دریافت هرگونه کمکی را از خارج کشور ممنوع اعلام کرد . وسایر گروه ها و فعالان کارگری بارها بی نیازی خود را از دریافت هرگونه کمک مالی از خارج اعلام کرده اند و در صورت هرگونه نیازی نهاد آنها می تواند علنا اعلام کند و جوابگو باشد.

کمکهای این دوره از خارج را شاید بتوان در حیطه کمکهای انسانی - نه طبقاتی بررسی کرد. تفاوت نهاد با شخص در این است که درخواست شخص یک امر خصوصی و مسأله شخصی است و نه طبقاتی (افراد می توانند تغییر کنند ولی نهادها براساس فعالیت شان در دراز مدت سنجیده می شوند که نمونه اسانلو یکی از این فعالیت های شخصی است . ایشان امروز به روشنی اعلام می کند که دیگر در چهارچوب تنگ طبقاتی فکر نمی کند، زمانی که در سندیکا فعالیت می کرد گفت "اگر قرار است به ما کمکی بشود، هیچ آرمی برایش نباشد ، که ما این کمک را برای فلان کار سندیکا می دهیم . من بعنوان

رئیس سندیکا از حق خود استفاده می‌کنم و می‌خواهم که هم میهنان ما، کارگران، اتحادیه‌هایی که صدای من را می‌شنوند، کمک را فقط مستقیماً به نام سندیکا بکنند. اجازه بدهید که در نوع هزینه کردن آن، خود هیئت مدیره و یا بالاتر از آن، مجمع عمومی سندیکا، تصمیم بگیرد تا کار آموزشی که شما خواستید، بتوانیم انجام بدهیم" راه کارگر شماره 292) و البته به فاکتورهای بسیاری بستگی دارد که در داخل کشور می‌توانند این کار را انجام بدهند، در داخل کشور به کارگری که برای فعالیت کارگری اخراج شده باشد کمک مالی بصورت قرض می‌دهند و بسیار مخالف پول خیراتی هستند و فقط کسانی برادامه دریافت کمک مالی از خارج پافشاری می‌کنند که می‌خواهند در داخل یارگیری کنند و در نهایت بی‌عملی خودشان را توجیه نمایند. وگرنه حمایت از کارگران هیچ الزامی به این گونه شایعه پراکنی و شوهای تلویزیونی نیست.

فعالین کارگری شرکت واحد ثابت کرده‌اند که در بدترین شرایط نیازی به کمکی غیر از نیروی خودشان ندارند در غیراین صورت می‌توانستند در همان شرایط سخت با قبول گرفتن اتوبوس از معاون رئیس جمهور مشکلشان را حل کنند. بقول آقای سلیمی که می‌گفت "زمانی که مسئول دفتر رئیس جمهور در جلسه‌ای که بمنظور آشنایی با مشکلات آنها بود، حضور داشت بعد از اعتراض به آقای سلیمی برای بیکار بودنشان، از این فعالین سوال می‌کند که وضعیت مالی شما چطوراست و آنها هم صادقانه می‌گویند خوب مشکل مالی که داریم، شما هم اگر چند روز در این جامعه بیکار باشید آیا مشکل ندارید! او در جواب می‌گوید می‌خواهید یک نامه بدهم که به هر کدام شما فردا صبح یک اتوبوس بدهند؟ اعضای هیئت مدیره یکصد می‌گویند ماشین نمی‌خواهیم، بذارید برگردیم سر کارهایمان(8)".

در انتها باید بگویم ایراد و انتقاد اصلی نه فقط به اسانلو که باید به عناصر و نیروهای حامی پشتیبانی و... از جنبش کارگری و فعالان آن از جمله خود من برگردد، عملکرد ما تاکنون نشان می‌دهد که شناخت آگاهانه‌ای از هم و از فعالین کارگری نداریم با شناختی نازل به هم اعتماد می‌کنیم و با هم نرد رفاقت می‌بازیم و هر یک دیگری را به اوج می‌رسانیم و در اولین چرخشها و گاه برداشت‌های شتاب زده ناشی از تحمیل شرایط ناهنجار و ... از

اوج ره‌ایش می‌کنیم تا بر زمین سخت فروافتد و متلاشی شود، بسیاری فروپاشی سازمانها و... بر همین بستر بوده است.

وقتی کسی را در بیش از حد و توانش برجسته می‌کنیم و تبلیغات فراوان برایش راه می‌اندازیم تا در نقش نماینده و گاه رهبر شود و چشم بر تنگناهایش، بر مشکلاتش، بر کجراه‌هایش می‌بندیم، چرا درکار بعدی آن رهبر باید خودش به تنهایی جوابگو باشد؟

وقتی در سال 2007 اسانلو به بلژیک آمد من شاهد درگیری درونی اعضای سندیکا بودم و کم نبودن اعضای هیئت مدیره که مخالف آمدن ایشان بودند و حتی اتحادیه‌های کارگری به هیچ‌وجه موافق آمدن ایشان نبودن ولی من با پذیرفتن نظرات منصور و هماهنگی با ایشان در یک کنفرانس تلفنی سعی کردیم اتحادیه‌ها را متقاعد کنیم که آمدن ایشان می‌تواند کمکی باشد برای وارد کردن فشار بر روی رژیم و بهتر شدن وضعیت کارگران سندیکا و به دوستان سندیکای هم بگوییم که آمدن ایشان به بلندپروازیه‌های ایشان نمی‌انجامد. بله من حامی و همراه او بودم و زمانی که او در زندان بود، سندیکاها یک سی دی به تعداد بسیار کم برای آزادی ایشان برای نشان دادن در میان کارگران درست کردند، متأسفانه در داخل کسانی بدون اطلاع سندیکا چندین هزار از این سی دی را درست کرده و پخش کردند که فعالین سندیکا جلوی این کارها را در داخل گرفتند. پس باید قبول کرد که هر کسی جای او بود خودش را گم می‌کرد.

اسانلو این راه را خودش به اختیار و آگاهی نرفته است، چرا ما نباید جوابگوی این موقعیت و شرایط باشیم؟

ایراد از درکی است که ما بعنوان فعالان آگاه و مدعی از جنبش کارگری و نقش و وظایف آن داریم. ایراد از نظم و فرهنگی است که بر ما حاکم است به نظرم می‌رسد که از آب خرد ماهی خرد خیزد!

مهدی کوهستانی

ژوئن دوهزار و چهارده

<http://andisheh.tv/index.php/hamsedae> / 1

طرح مسأله مالی و پرداختن به اسانلو از جانب برخی از باصطلاح تشکلات کارگری را باید دقیق‌تر بررسی چرا که این نهادها فقط به دنبال ضربه زدن به فعالیتهای متشکل در ایران هستند والا میتوانند نگاهی هم به دیگر نهادهای که به اسم کارگران ایران پول جمع میکنند هم داشته باشند ، بعنوان میال سالهاست در کشور انگلستان حزب کمونیست بریتانیا با کمک نمایندگان مجلس آن کشور به اسم کارگران ایران پول جمع می‌کنند ، بنظر نمی‌آید که کارگران ایران از این کارخبر دارند ولی فعالیت عام المنفعه این حزب ادامه دارد

<http://www.cpgb.org.uk/home/weekly-worker/online-only/running-for-workers-fund-iran>

البته این حزب باصطلاح ضد امپریالیستی در نه فوریه دوهزارو نه در نشریه شماره 755 هفتگی کارگر خود به کارهای فعالین خارج اتهاماتی زد که ما هم قصد داشتیم جواب آن اتهامات را بدهیم که دوستان در داخل و خارج پرداختن به این حزب را صلاح نمیدانستند و حتی میگفتند نویسنده آن مطلب ابتدا باید به اعمال خودش در چهار بهمن بپردازد دخالت در امور جنبش کارگری در حیطه ایشان نیست.

/ 2

<http://www.hekmatist.com/2014/komonist184-fatahi.html>

http://www.azadi-b.com/J/2014/05/post_379.html

[/3](#)

اما محفل اتحاد سوسیالیستی (محفل زرد ژورنالیستی) که به سبک پاپاراتزی-کیهان شریعتمداری فعالیت می‌کند، یکی از محافلی است که همیشه سعی کرده با تهمت زدن بدون سند و تنها بر اساس شایعاتی که خودشان و یارانشان می‌سازند به ترور شخصیت افراد می‌پردازد. این محفل در آخرین اطلاعیه خودش نوشته است ” از جمله کمک ماهانه ی هزار و پانصد دلاری اتحادیه حمل و نقل جهانی بود همه ی اینها در شرایطی صورت می‌گرفت که شماری از کارگران شرکت واحد به دلیل عضویت در سندیکا و مبارزات پی‌گیرشان اخراج شده بودند و در وضعیت مالی وخیمی به سر می‌بردند و حتی در تهیه کردن مایحتاج اولیه زندگی دچار مشکل بودند ” این ادعا یک دروغ بزرگی بیش نیست. منصور اسانلو هیچ کمکی از کنفدراسیون حمل و نقل نگرفته و این کنفدراسیون هیچ‌گاه کمکی نه

تنها به منصورحتی به سندیکای واحد نداشته است ، تنها حق عضویت سندیکا را بخاطر شرایط موجودش ، نخواست است. پاپاراتزی- کیهان شریعتمداری با سبک ماکیاولسیتی اش از هر ابزاری برای رسیدن به هدفش استفاده می کند.

http://www.wsu-iran.org/bayanie/wsu_osanlu_may2014.pdf

/4

<http://asre-nou.net/1385/ordibehesht/29/m-wahed.html>

<http://asre-nou.net/1385/khordad/20/m-hambastegi.html>

<http://www.lajvar.se/karegari/gay-rayder.htm>

5/ البته یکی از دلایل اصلی درگیری من با رضا مقدم بر این اساس بود که چرا افراد کمیته هماهنگی بدون مشورت با ایشان و یارانش قبل از اعتراضات سندیکای واحد در رابطه با دادگاههای زندانیان سقز ازبخش حقوقی کنفدراسیون بین المللی درخواست کمک کرده اند . البته اگرآن افراد در چهارچوب منافع تشکیلات محفل ایشان این درخواست را می کردند اشکالی نداشت ولی زمانی که اختلاف بین آنها افتاده بود، ایشان از این اختلاف، برای انتقام گیری سوءاستفاده می کرد و از من می خواست آن عمل را علنی کنم که بنظر من بسیار غیر اخلاقی و امنیتی بود.

6 / این موضوع که چرا من با اتحاد بین الملل و شخص یدالله خسرو شاهی فعالیتیم را قطع کردم به این موضوع برمی گردد که یکی از همکاران اتحاد در سال 86 به مونترال آمد و من هم برای دیدار دوستی که سرطان داشت به آنجا رفتم که این شخص در جمعی که 7 نفر فعال اجتماعی بودند توضیح داد که بعنوان مترجم حسین زهری(بهرام) به سازمان امنیت فرانسه می رفته و اطلاعات اپوزیسیون را به دولت فرانسه می دادند که بعد از بیرون آمدن از آن خانه من حتی از دست دادن برای خداحافظی امتناع کردم. این موضوع را به دوستان گفتم ولی برای آنها مهم نبود حتی این شخص بعد از چند ماه در یک جلسه مسئولیت بخش بین المللی را بعهده گرفت. این افراد در نیافتن راه حل همکاری

مشترک در چند ماه بعد با طرح مسائل سال 2004 را برای همکاری با سالی‌داریتی ستر که چند شاهد در آن جلسات بودند که من مخالف همکاری بودم و کسانی که یواشکی این بحث را مطرح می کردند خودشان بسیار موافق همکاری نهادی بودند. و صد البته بعداً قضایا را به گونه ای دیگر بیان کردند.

کسانی هم که بعداً من را سرزنش می کردند که نگذاشتم ثرت به ایران برود هیچگاه نپذیرفتند که دلایل آن به من ربط نداشت و خودشان بعداً از کارمند سالی‌داریتی ستر خواهان همکاری برای فرستادن نمایندگان کارگری به ایران شدند.

17

<http://sardarsima66.wordpress.com/2014/05/18/%D8%B4%D8%A7%D8%B1%D9%84%D8%A7%D8%AA%D8%A7%D9%86%DB%8C-%D8%A8%D9%87-%D9%86%D8%A7%D9%85-%D9%85%D9%86%D8%B5%D9%88%D8%B1-%D8%A7%D8%B3%D8%A7%D9%86%D9%84%D9%88>

18

<http://azadi2008.wordpress.com/2008/08/06/%DA%98%D9%88%D9%84%DB%8C%D8%AF%DA%AF%DB%8C-%D9%BE%D8%B1%DA%A9%D8%B3%DB%8C%D8%B3-%DA%A9%D8%A7%D8%B1%DA%AF%D8%B1%DB%8C-%D9%88%D8%B6%D8%B9%DB%8C%D8%AA-%D9%88-%D9%85%D9%88%D9%82%D8%B9%DB%8C%D8%AA-%D8%AC/#more-824>

بر خلاف روحیه بسیار بالا و اخلاقی فعالین سندیکا واحد که در تمام مدتی که بیکاری و بی پولی و بی آیندگی مشکل بسیاری برای آنها بوجود آورده بود با همان امکانات کم برای همدیگر فداکاری می کردند هر کاری بود انجام می دادند از نامه رسانی با موتور تا چای فروشی در ایستگاههای قطار.... و از کسی انتظار هیچ کمکی نداشتند ، در همان شرایط سخت در جلسات سندیکا حضور پیدا می کردند و در غم و شادی با هم بوده و هسستند. منصور مانند همه انسانها و مبارزین محصول شرایط و محیطش است متأسفانه منصور اسانلو از سال 83 تا به امروز بسیار دگردیسی کرد، بزرگ بینی بی مورد کار دستش داد و در بسیاری از جاها یادش رفت از کجا آمده و ریشه اش کجاست. هر روز بر غرورش اضافه می شد و از فروتنی که خصلت مبارز کارگری است دور می شد. مسائل را طبقاتی ندید و در سیاست درجا زد. ایشان در کوتاه مدت می خواست یا سندیکا را به حزب کارگر

تبدیل کند و یا خودش کسی شود که هر کاری بخواهد بتواند انجام دهد با سندیکا یا بدون سندیکا.، توهم داشت که شاید در داخل همان نظم و چهارچوب بتواند کارهایش را پیش ببرد، حتی تا هفته قبل از انتخابات سال گذشته می گفت هنوز نمیگویم رأی ندهید. آنجایی که دیگر کم آورد به خارج آمد ولی بدون مشورت دل به دریا زد نمی دانست در خارج تا پایت روی زمین نباشد دائم سر می خوری، دوستان دیگر فعال کارگری ایران نیستند و هر روز در کنار یک طیف قرار می گیرد. ایشان در همان ابتدای آمدنش به خارج با داشتن توهم بسیار درخواست کمکهای مالی زیادی را به اسم فعالین سندیکا با داشتن چند نشریه در دست داشت و کسانی هم که ایشان را به خارج آوردند هنوز یک هفته نگذشته بود فهمیدن که هوا خیلی پس است (کسانی که خودشان را در ترکیه دوبل منصور کرده بودند) همان دوستانش سریع راه خود را عوض کردند و به اتحادیه ها فشار آوردند که او را رسوا کنند که اتحادیه ها این نوع برخوردها را قبول ندارند. تنها جوابشان سکوت بود. و تنها راه حل سندیکای واحد در مقابل این خواستههای منصور هم همان اطلاعیه بود.

بالطبع امروز منصور اسانلو هم نمایندگی یک بخش از جنبش کارگری ایران را میکند ، بخشی که طبقه کارگر ایران سی و شش سال پیش با آن مرزبندی کرده و مطمئناً جنبش اجتماعی ما کم احتمال دارد به گذشته برگردد. در 26 ژوئن دوهزار و نه در بسیاری از کشورها برای آزادی فعالین کارگری از جمله منصور اسانلو تظاهرات اعتراضی برگزار شد و در شهر تورنتو بیش از 1500 نفر در آن تظاهرات شرکت کردند

<https://www.itfglobal.org/campaigns/osanloo-ITFpress.cfm>

دز حین تظاهرات جریانات طرفدار سلطنت طلب بسیار زشت و بد به شرکت کنندگان برخورد میکردند که حتی به ضرب و شتم و زخمی کردن یک خانم منجر شد هفته گذشته در همین شهر منصور اسانلو یکی از سخنرانان شورای ملی ایرانیان که بسیاری از همان سلطنت طلبان را بر میگرفت بود.

<http://www.shahrvand.com/archives/50704>